



عناصر خیالی هم ساخته و پرداخته ذهن و قلم شاعر بزرگ ایرانی، «ابوالقاسم فردوسی» در کتاب شاهنامه یا مجموعه اطلاعات کتاب «عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات» تالیف «محمد بن محمود بن احمد طوسی» است و گروهی دیگر، خرافه‌هایی ساخته و پرداخته ذهن خلاق پیشینیان از اتفاقاتی است که تا آن روز، تعریف دقیق علمی برایش وجود نداشت. پرونده امروز «زندگی‌سلام» قرار است سفر شگفت‌انگیزی داشته باشد به دنیای هیجان‌انگیز این افسانه‌ها. از آنجا که هر کدام از این شخصیت‌ها و عناصر، نقش تاثیرگذاری در جذاب و پرکشش کردن قصه‌های کهنی دارد که بخش مهمی از کودکی‌هایمان را شکل داده، مرور دوباره‌شان خالی از لطف نیست. با ما همراه باشید.

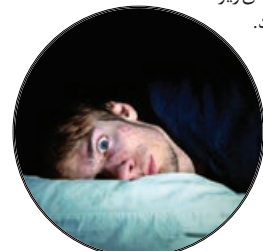
**علیرضا کاردار-** وقتی بچه بودیم، پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها قصه‌هایی برایمان می‌گفتند که پر بود از راز و رمزها، موجودات افسانه‌ای و قهرمانان روبین تن. افسانه‌هایی که ما را به سفری به دنیای ناشناخته‌ها می‌برد و با شخصیت‌ها و موجودات و اتفاقاتی آشنا می‌کرد که بخش مهمی از تاریخ شفاهی و عامیانه سرزمین‌مان به حساب می‌آید. داستان‌هایی که سینه به سینه منتقل شده بود و مردم پشت به پشت، برای هم نقل می‌کردند و به ماجراها و قهرمانانی که پاسخگوی حس کنجکاوی و غرور و وطن‌پرستی‌شان بود می‌بالیدند. بیشتر این افسانه‌ها، در روزگار باستان شکل گرفته که در کتاب «اوستا»، مجموعه‌ای از کهن‌ترین نوشتار و سروده‌های ایرانیان گرد آمده؛ بخشی از این

نگاهی به افسانه‌ها و عناصر خیالی ایرانی؛ از ققنوس و هُما تا شیردال و اژدها

## عجایب الموجدات!

### بختک؛ نامرئی سلب‌کننده توانایی

در باور عامیانه ایرانی موجودی نامرئی است که شب‌هنگام بر بدن انسان چیره می‌شود و تمام بدن را در اختیار گرفته و قفل می‌کند و در این حالت انسان فقط نظاره‌گر ناتوانی خود است. ترسی بدون دلیل وجود انسان را در بر می‌گیرد و انسان توان کوچک‌ترین واکنشی نسبت به این ترس ندارد. برخی دیگر بر این باورند که بختک در درون انسان رخنه می‌کند و بدن را در اختیار می‌گیرد. اصطلاح «بختک روی زندگی‌اش افتاده» هم از این‌جا وارد ادبیات فارسی شده است. به عقیده عوام، بختک کنیز اسکندر بود. هنگامی که کلاغ به مشک محتوی آب حیات که اسکندر با خود از ظلمات آورده بود منقار زد و آن را درید و آب حیات بر زمین ریخت، این کنیز بی‌درنگ مستی از آن آب را برداشته، نوشید و اسکندر که سخت خشمگین شده بود به ضرب شمشیر، بینی او را برید! کنیز از گِل، بینی برای خود ساخت و از آن به بعد، چون کسی را به پشت خفته ببیند، بر سینه او می‌جهد. اگر در آن حالت شخص خفته بیدار شود و چنگ در بینی او اندازد، بختک از بیم آن که بینی‌اش کنده شود گنجی از گنج‌های اسکندر را رشوه خواهد داد تا دست از بینی‌اش بردارد! بختک به عقیده عوام در تاریکی و به خصوص زیر درخت‌ها، در جنگل‌ها و باغ‌ها می‌گردد. ظاهر این اعتقاد از ناگامی مردم قدیم به وجود گاز کرینیکی که شب‌ها از گیاهان متضاد می‌شود و کسی را که در جنگل یا در زیر درخت خفته باشد خفه می‌کند، ناشی شده است. پدیده پزشکی «فلج خواب» هم در واقع همان بختک است.



### پری دریایی؛ زنی با دُم ماهی

در فرهنگ عامه دنیا، پری دریایی یک موجود افسانه‌ای آبی است که سر و بالاته‌ای به شکل یک زن زیبا و دمی شبیه به ماهی دارد. پری دریایی، در بسیاری از افسانه‌ها این‌طور تصویر شده که در کنار ساحل می‌ایستد و با یک دست در حال شانه کردن موهای بلندش و با دست دیگرش، آینه‌ای را نگه می‌دارد. پریان دریا، معمولاً به پیشگویی اتفاقات آینده می‌پردازند؛ گاهی از روی اجبار، نیروهای فراطبیعی خود را به انسان‌ها می‌بخشند و گاهی عاشق انسان‌ها شده یا با فریفتن انسان‌های فانی که دل در گرو عشق آنها بسته‌اند، آنها را به قعر دریا می‌برند. گاهی اوقات مهربان و خوش‌نام‌اند و گاهی پلید تصویر شده‌اند. هدایایشان بدیمنی می‌آورد و اگر از رده خاطر شوند، موجب به پاشدن توفان و سایر بلاها می‌شوند، به طوری که دیدن آنها در دریا، نشانه غرق شدن کشتی بوده. در ایران هم افسانه‌هایی درباره پری دریایی وجود دارد؛ به خصوص در جنوب ایران، در مجاورت خلیج فارس. چنان‌که در داستان‌های «منبر و روانی پور» به آنها اشاره شده



### قالیچه پرنده؛ فرشی بر فراز آسمان

یک قالیچه جادویی که گویا از آن برای حمل و نقل و رسیدن سریع به مقصدهای دور استفاده می‌شده. در افسانه‌ها آمده این قالیچه در زمان هخامنشیان و از ایریشم‌هایی یافته شده است، به طوری که کرم‌های ایریشم از برگ درختان توت باغی در کاشان تغذیه و آن را تولید کرده‌اند. خاک این باغ از کویر «ریگ جن» در جنوب سمنان آمده بود و به دلیل ضد جاذبه بودن ریگ‌های این کویر، این خاصیت ضد گرانشی به درختان و سپس به کرم‌های ایریشم منتقل شده بود و این، راز به پرواز درآمدن قالیچه بر فراز زمین بوده است. همچنین نقل شده «اسکندر» برای دست یافتن به قالیچه پرنده به ایران حمله کرد و تخت جمشید را آتش زد و در خرابه‌های آن، چند تار ایریشم با این خاصیت به دست آمده است. داستان دیگری هم درباره قالیچه پرنده نقل شده است که می‌گوید این قالیچه هم مانند قالیچه‌های معمولی روی دار بافته می‌شده و تفاوت آن با قالیچه‌های معمولی در مرحله رنگرزی بوده است. صنعتگران آن دوران گل مخصوصی «به دست آمده از چشمه‌های کوهستان» کشف کرده بودند که هنگامی که در معرض حرارت شدید، «داغ‌تر از آتش حلقه هفتم جهنم» در ظرفی محتوی روغن یونانی قرار می‌گرفت، خاصیت ضد مغناطیسی پیدا می‌کرد. با توجه به مغناطیسی بودن کره زمین، قالیچه‌هایی که الیافشان به این گل آغشته می‌شد، می‌توانستند از سطح زمین فاصله بگیرند!



### سیمرغ؛ آشیان گزیده در البرز

مرغی افسانه‌ای با دُم طاووس، بدن عقاب و پنجه‌های شیر که نقش مهمی در داستان‌های شاهنامه دارد. کُناش، کوه اسطوره‌ای «قاف» است. دانا و خرمدند است و به رازهای نهان آگاهی دارد. پیشینه حضور این مرغ اساطیری در فرهنگ ایرانی به دوران باستان می‌رسد. «سام» پدر «زال» فرمان می‌دهد فرزندش را که با موهای سپید به دنیا آمده در صحرا رها کنند تا از بین برود. سیمرغ به سبب مهری که خدا در دلش می‌افکند، زال را به آشیانه می‌برد و می‌پرورد. سرانجام وقتی سام به دنبال خوابی که دیده است به پای البرز کوه (جایگاه سیمرغ) به سراغ زال می‌آید، سیمرغ بعد از وداع با زال، پری از خود را به او می‌دهد تا به هنگام سختی از آن استفاده کند. غیر از شاهنامه فردوسی، کتاب‌های دیگری هم در ادبیات فارسی هست که در آنها نشانی از سیمرغ و خصوصیاتش آمده. از جمله «منطق الطیر» عطار که در آن داستان سفر گروهی از مَرغان به راهنمایی هدهد به کوه قاف برای رسیدن به آستان سیمرغ است.



### شیردال؛ نگه‌دارنده در برابر اهریمن و جادو و دروغ

یک موجود افسانه‌ای با تن شیر و سر عقاب و گوش اسب که تندیس‌های زیادی براساسش شکل گرفته و ساخته شده. درباره شیردال‌ها داستان‌های زیادی هم وجود دارد؛ مانند این که شیردالی بر دروازه شهر «تیس» در مصر باستان می‌نشست و از رهگذران، ضرب‌المثل می‌پرسید؛ هر کسی پاسخ غلط می‌داد، او را روی تختی می‌خواباند و اگر بدنش بزرگ‌تر از تخت بود، قسمت‌های اضافه را می‌برید و اگر کوچک‌تر بود، بدنش را می‌کسید تا به اندازه تخت شود! هخامنشیان شیردال را «نگهبانی در برابر اهریمن، جادو و دروغ» می‌دانستند و سرستون‌های مشهور کاخ‌های هخامنشی هم که یکی از مشهورترین مصنوعات بشری است، شیردال‌ها را نمایش می‌دهند. نام این جانور در پارسی میانه «یشکوچ» است؛ خیلی‌ها اعتقاد دارند سیمرغ در ادبیات کلاسیک پارسی نو، نمود دوبینی از شیردال یا یشکوچ است.



### نسناس؛ جانور چهار چشم سرخ روی

گفته می‌شود نوعی جن است؛ بدنش نیمی از اعضای انسان را دارد: یک پا، یک دست و یک چشم. برخی معتقدند نسناس دو جنس نر و ماده دارد. این نام گاهی در گذشته در متن‌های زیست‌شناسی فارسی در برابر واژه میمون به کار می‌رفته. همچنین در برخی فرهنگ‌های فارسی نسناس این گونه تعریف شده است که جانوری است چهار چشم، سرخ روی، سبزموی، قد بلند، در محدوده هندوستان که مانند گوسفند، اهل هندوستان او را صید می‌کنند و نوعی می‌خورند. نسناس از حیوان که بر یک پای می‌جهد و به شکل انسانی است ولی خوش و سرشت انسانی در وی نیست.



### هُما؛ مرغ سعادت و کامروایی

پرنده هُما یا هُمای، در اسطوره‌های ایرانی جایگاه مهمی دارد و معروف است که سایه‌اش بر سر هر کس بیفتد، به سعادت و کامرانی خواهد رسید؛ به همین دلیل به مرغ سعادت معروف شده است. در قصه‌ها و مثل‌های ایرانی از هُما به عنوان پرنده‌ای استخوان‌خوار و بی‌آزار یاد شده است. نقش این پرنده در کنده کاری‌ها و برخی از سرستون‌های پارسه پیداست. در خرابه‌های تخت جمشید که پایتخت هخامنشیان بوده است، دو مجسمه سنگی از ایران باستان هم به عنوان پرنده سعادت معروف بوده است. در ادبیات فارسی، او را نماد فرّ و شکوه می‌دانند و به شگون نیک می‌گیرند.



### اژدها؛ مار عظیم‌الجثه بدطینت

اژدها یا اژدر به معنی «مار یا افعی مهیب و سهمگین با دهان فراخ و گشاد» است. اژدها تنها موجود اساطیری است که در فرهنگ و کتب تاریخی تمام ملل مثل چین، ژاپن، ایران، مصر، یونان، روم، شمال اروپا و... از آن یاد شده است. آن‌طور که از افسانه‌های ایرانی برمی‌آید، اژدها با تاختن بر ایران‌شهر و چیرگی بر پادشاه این سرزمین، فرمانروایی را در دست می‌گیرد، زندگی مردمان و چهارپایان آنان را تباه، باران و آب را زندانی و خشکی و فقر را بر سرتاسر زمین حکمفرما می‌سازد. منتها سرانجام این فرمانروای دژخیم با ابزار جنگی جادویی، توسط قهرمان بی‌همتایی از تبار پادشاهان نیکوی ایرانی، مغلوب و تباه می‌شود و به دنبال‌اش آشتی، آرامش و زیبایی بر ایران زمین حکمفرما می‌شود. در نزدیکی شهر دهلران در استان ایلام، «چشمه قبری» وجود دارد که بنا به گفته‌های مردم محلی، این چشمه، خون اژدهایی است که در جنگ با «اسفندیار روبین تن»، به هلاکت رسیده است.



### ققنوس؛ پرنده تنه‌ای خاکسترنشین

ققنوس یک پرنده مقدس افسانه‌ای است که در اساطیر از آن نام برده شده است. درباره این موجود افسانه‌ای گفته می‌شود وی، مرغی نادر و تنهاست و جفت و زایشی ندارد. اما هزار سال یک بار، بر تنه‌ای بزرگ از هیزم، بال می‌گشاید و آواز می‌خواند و چون از آواز خودش به وجد می‌آید، به منقار خویش آتشی می‌افروزد و با سوختن در آتش، تخمی از وی پدید می‌آید که بلافاصله آتش می‌گیرد و می‌سوزد و از خاکستر آن، ققنوس دیگری متولد می‌شود. ققنوس در فرهنگ ما ایرانی‌ها، نماد جاودانگی و عمر دراز بوده است.



### مُرخ آمین؛ دعاگوی مردم روی زمین

در فرهنگ مردم ایران، نام فرشته‌ای است که مدام در پرواز است و دائماً «آمین» می‌گوید. معروف است که اگر کسی نیازی داشته باشد و آن را بیان کند و همان دم مرغ آمین از فراز سر او بگذرد، دعاهای او برآورده می‌شود. در عقاید عامه هم آمده است که گاهی در حین دعا یا نفرین، اگر مرغی به نام مرغ آمین در پرواز باشد، می‌تواند باعث آفرینش جهان بدی‌زد و آن نفرین یا آفرین شود. همچنین «آمین» نام ستاره‌ای هم هست که به هنگام طلوع آن، دعا مستجاب می‌شود.



### دیو؛ موجود شاخ و دُم دار

موجود خیالی که هیکل او شبیه انسان اما بسیار تنومند و زشت و مهیب و دارای شاخ و دم است. در اسطوره‌ها آمده است که پس از آنکه اهورامزدا دست به آفرینش جهان مینوی و مادی زد و امشاسپندان و ایزدان و فروهرها پدید آمدند، اهریمن هم بیکار نشست و دست به آفرینش جهان بدی‌زد و در برابر ایزدان، دیوان را پدیدآورد. به این ترتیب در برابر هر ایزدی، دیوی به کار گمارده شد.



### غول؛ وابسته به شیشه عمر

موجود افسانه‌ای بسیار بزرگ جثه با دو شاخ و یک دم که شیشه عمر دارد. او را می‌توان با یک ضربه کشت، اما ضربه دوم او را احیا می‌کند.



#### پری؛ فرشته تبعید شده

پری‌ها موجوداتی بالدار، بسیار دلنشین و با ظاهر فرشته آفریده شده‌اند. در طبقه‌بندی موجودات اسطوره‌ای، آنها آفریده‌هایی مابین فرشته و ارواح شیطانی هستند.